

تطبیق تحلیلی کارکرد نمادهای مشترک در داستان‌های «خرگوش خان و لاک‌پشت‌میرزا» و «میش غدار و گرگ نابکار» از جواد مجابی و «مسابقه حیوانات» و «گوسفندی که گرگ شد» از عزیز نسین

۱. سعید واعظ*، ۲. کورش سلمان‌نصر**

۱. استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

نماد و نمادپردازی از ابزارهای مهم شاعران و نویسندگان است. از این رو، نویسندگان معاصر با بهره‌گیری از آن، مضامین اجتماعی، سیاسی و... را پیش روی خوانندگان گذاشته‌اند تا علاوه بر اینکه پیام خود را انتقال می‌دهند، از گزند برخوردارهای گروه‌های مخالف نیز مصون باشند. در این مقاله، به آثار عزیز نسین از ترکیه و جواد مجابی از ایران پرداخته‌ایم. نماد در آثار این دو نویسنده جایگاه ویژه‌ای دارد و آن‌ها با استفاده از نمادهایی که گاه حیوان و گاه شیء و گاهی مکان است، به نمادپردازی دست می‌زنند. در داستان‌های «خرگوش خان و لاک‌پشت‌میرزا» و «میش غدار و گرگ نابکار» اثر جواد مجابی و «مسابقه حیوانات» و «گوسفندی که گرگ شد» از عزیز نسین به‌خوبی می‌توان مشابهت استفاده از حیوانات به عنوان نماد را مشاهده کرد. با این حال، به دلیل تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی، در نهایت نمادها کارکرد متفاوتی پیدا می‌کنند. ما در این مقاله کوشیده‌ایم ضمن بهره‌گیری از روش تحلیل کیفی و با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی نشان دهیم که چگونه عزیز نسین و جواد مجابی از نمادهای مشابه استفاده کرده‌اند، اما در روند داستان‌ها، با توجه به تأثیرات اجتماعی و طرز دیدگاه شخصی آنان، به کارکردهایی متفاوت دست یافته‌اند.

کلیدواژه‌ها: داستان طنز، نماد، نمادپردازی، جواد مجابی، عزیز نسین.

* E-mail: saidwaez@gmail.com

** E-mail: salmannasr_koorosh@yahoo.com (نویسنده مسئول)